



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

شماره ۱۶

رصدخانه مراغه

تألیف

علیق‌لی میرزا اعتضاد السلطنه

(وزیر علوم در قرن سیزدهم هجری)

بمناسبت نمایشگاه حفريات مراغه

در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

چاپ بهمن

۰۱۰

۱۵

۱۰۱۰
۲
اشارات

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران



شماره ۱۶

رصدخانه مراغه

تألیف

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه



تهران - ۲۵۳۶

رصدخانه مراغه

در سالهای اخیر حفريات علمی رصدخانه مراغه توسط دانشگاه آذربادگان آغاز شده است و گزارشهایی چند از آنچه تا کنون مکشوف شده بوسیله آقای دکتر پرویز ورجاوند - که نظارت حفاری با ایشان است - به چاپ رسیده است.^۱

اینکه برای تکمیل اطلاعات دو مدرک ناشناخته و مکتوبی را که گواه بر شوق پیشینیان در شناختن این مؤسسه علمی و تاریخچه بازشناسی رصد مراغه بوده است معرفی می کند و بمناسبت ترتیب یافتن نمایشگاه حفريات مراغه و نقشه و عکسهای آنجا با همکاری دانشگاه آذربادگان و دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران آنها را در رساله مفرد و مستقلی به چاپ می رساند.

فخستین اطلاع، مربوط به عهد صفوی و مأموریتی است که شاه عباس در سال ۱۰۱۹ پس از فتح قلعه دمد و عزیمت به حدود مراغه، به شیخ بهائی و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس (یعنی علیرضای عباسی کتیبه نگار) داد تاقشعه رصد مراغه را رسم کنند. فرزند جلال منجم موسوم به ملا کمال در تاریخ خود اجمالی از این قضیه را چنین ضبط کرده است:

« حضرت شیخ بهاء الدین محمد و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس را به مراغه فرستادند که ملاحظه عمارت رصدخانه مراغه را نموده و طرح او را کشیده به نظر اشرف رسانند. »

ملا کمال چون گفته است که در ۲۲ ربیع الاول ۱۰۱۹ شاه در پای

۱- از جمله نگاه کنده به Varjavand, P. - Rapport préliminaire sur les fouilles de l'observatoire de Marāq. *Le Monde Iranien et l' Islam*. Paris, vol. III (1975) pp. 114-124.

قلعه دمدم از خبر فوت حاتم بیگ اعتمادالدوله مطلع شد علی الظاهر
اوردماه ربیع الثانی در حدود مراغه بوده است.^۱

اطلاع دوم از دوران ناصرالدین شاه قاجار و مربوط است به سال
۱۲۷۶ قمری مطابق ۱۸۵۹ میلادی، در وقتی که ناصرالدین شاه به هنگام
سفر آذربایجان به مراغه وارد شد و شاهزاده علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه
در التزام رکابش بود. شاهزاده (که به علوم هیأت و نجوم علاقه‌ای وافر
داشت) به اتفاق شاهزاده فرهاد میرزا (که از فضایل نامور زمان خود
بود) و ملا علی محمد اصفهانی (که از ریاضی دانان مشهور زمان بود)
و میرزا احمد حکیم باشی کاشانی از خرابه‌های رصد دیدن کرد و شرحی
از مشاهدات و اطلاعات خود نوشت که خوشبختانه نسخه‌ای که برای
کتابخانه ناصرالدین شاه نویسانیده بوده اند بصورت رساله خطی در کتابخانه
سلطنتی بوده است و اینک در کتابخانه ملی مضبوط است.^۲ از فواید این
رساله، رسمی (نقشه) است که از وضع تپه در آن وجود دارد. ضمناً گفته
شود که اعتضاد السلطنه مجملی از این رساله را در شماره هفتم روزنامه
علمیه ایران نیز درج کرده است. چون رساله مفصل نیست و بخط خوش
است عیناً بصورت عکسی در اینجا به چاپ رسانیده می‌شود.^۳

اعتضاد السلطنه درین رساله اطلاعات مفیدی را به دست می‌دهد

که به اختصار چنین است :

* اهل محل آبخارا «رصد اعی» می‌نامیده‌اند .

-
- ۱- تاریخ صفویان (خلاصه التواریخ - تاریخ ملاکمال) تألیف دوفر
از درباریان شاه عباس دوم به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان . اراک، ۱۳۳۴.
ص ۶۳. ۲- نسخه‌ای از این رساله به خط نسخ در کتابخانه مجلس شورای
ملی جزء مجموعه اهدائی اعتضاد السلطنه موجود است. ۳- از جناب آقای
سیاوشی مدیر کل کتابخانه ملی متشکرم که عکس نسخه را در اختیارم گذارده‌اند.

* مؤیدالدین عرضی رساله‌ای در باب آلات و ادوات رصدگاه
مراغه نوشته و تل رصد را در سمت غربی مراغه معین کرده‌است. ولی
تاریخ و صاف و حبیب‌السیر به اشتباه موضع آن را سمت شمالی نوشته‌اند.
مؤیدالدین عرضی کسی است که خواجه نصیرالدین او را به ساختن
عمارت مأمور کرده بود.

* - سطح تپه برای رصد تسطیح شده‌است.
* - طول آن چهارصد ذرع و عرضش یکصد و هشتاد ذرع معین
شده است.

* - از کاغذ غیاث‌الدین جمشید کاشانی (قرن نهم) به پدرش
برمی‌آمد که «منبر هندسی» رصد خانه مراغه در زمان او برپا و باقی
بوده است. اعتضادالسلطنه که خود در مباحث نجومی وارد بود می‌گوید
«هیچکس معلوم نداشت که منبر هندسی که در میان عمارت رصد مراغه
است چیست و از بهر چیست»

* - از سمت غربی تپه، دریای شها (= دریای شاهی) پیداست.
* - وصف دخمه نزدیک به تپه را که در دو صفه آن دو علامت
قبر وجود داشته است به دست می‌دهد و از قول پیر مردی روایتی را از
سرجان ملکم انگلیسی نقل کرده است.

* - نقشه‌ای که از تپه رسم شده کار ملاعلی محمد اصفهانی است.
* - ناصرالدین شاه بعد از شنیدن وصف تل و دخمه از آنجا بازدید و
اعتضادالسلطنه را مکلف به نوشتن رساله موجود کرده است.

* - نیمه دوم رساله در تاریخ رصدهای مشهور است که تا آن عهد
به وجود آمده بوده است. ضمناً از آخرین ورق مستفاد می‌شود که
اعتضادالسلطنه در رصد استخراج ذیج جدیدی بوده است.

ایرج افشار

۱۵۰۴



کتابخانه دولت علیه ایران

نمبر ۲۷۸۸ X

مصحف

بجه زبان

تاریخ تحریر

بجه خط و قلم

عدد سوره

عدد اوراق

قطع کتاب

یک نسخه در چند جلد

در چه عام

اسم محرر

روی کاغذ

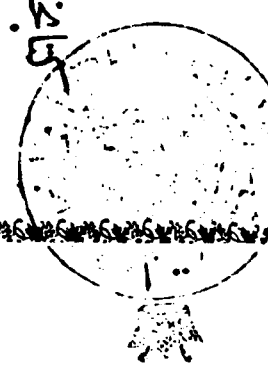
عدد صورت

جلد کتاب

وزن مذهب

مثنی و حاشیه

ملاحظات



رساله در تفهید و تبیح مرغه در غایت سیرا

مطبعت انوار اسلامیه
۱۲۸۲



بسم الله الرحمن الرحيم

سزاوار حمد ذات خداوندیست که گوهر معرفت خود را در خزان آفاق
و نفس بود بیت نهاد و بختیار آن جوهر نفیس را موقوف فرمود
بما رفت در طرق لغو و بلاد سحریم آیاتنا فی الآفاق و فی
انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق و سائسته در دنیا محمد و در
پاک مخاطب بخطاب لولا که لما خلقت الافلاک علت غایه از
ماه و ماهی گوینده رب ارنا الله شام کما هی است محمد روح
پاک آفرینش و پس از آن آل و اصحاب او خصوص معیار تنوای
سطح هستی و پرکار محیط دایره حق پرستی عارفان را در پیش
و اولاد اجداد او که بنموش آفاق علم و حکم و کواکب افلاک محمد و کریمند

و بعد چون حکام الزلم رکاب قمران مالک قاب فتح بلد
ناخ عباد محیی صنایع و علوم مبدع بدایع و رسوم بختش چون در
کاویان بر سر عرش در حاکم خلعت مانند اسطونزد اسکندر
شخص وجود همایونش در مرصد معدل معدل حرکات افلاک جهان
و خورشید رای جهان را بر افق سلطنت مطلع کوکب با سحر
الذی انشره اجمیع فی الافواء و هو المثلث با خلق الله شبهه
و لا نظیر و لا یحتاج فی امور ملکه بشت درة الوزیر با دوشایه
خدا باشد سایه از نور کی جدا باشد سلطان بن سلطان
ابن سلطان ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و سلطانه و ارد
مراغه نیم نیم امور و الزم شغل دین کوه رصد را بر خود محمّر کرده
تا لایم حله اوله مکثوف شود که چون هلاک او خاس سلطان احکما
خواجہ نصیر الدین محمد طوسی را با مرصده امور ساخت و او را محمّر

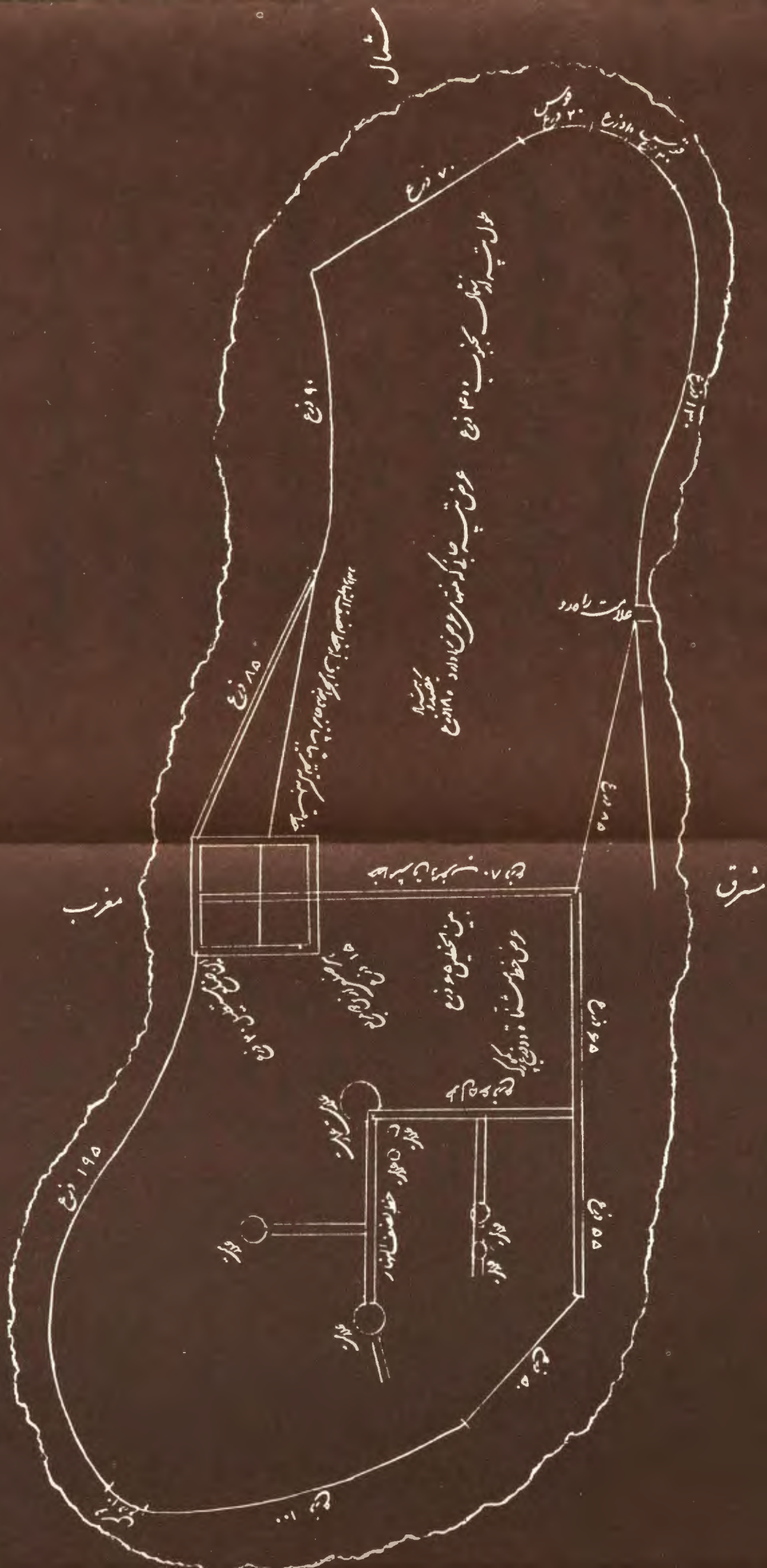
در تعیین کجای از بلدان ممالک دی که مرز و بوم آن از اتم چگونگی
روم بود و آن جناب بده فراغه را بر گردید و وجه و مراد واضح در روشن
شود اگر چه از آثار عمارت رصدخانه از تغییرات زمانه باقی نماند
مرئی گردد بعد از آنکه روز توقف در رفع کالت سفر روز سه شنبه
پنجم صفر المظفر که شمس در میزان دو درجه و چهار دقیقه و نیم
و تاریخ هجری بر مبنای اردو است و هشتاد و شش ناقصه مطابق با چهارم
کانون آخر مرداد ۲۱۷۰ ناقصه اسکندری موافق با دهم ماه جلد ۷۸۱
هفتصد و شصت و یک ناقصه ملک شبه مطابق با بیست و ششم سطر
ماه فرانس و چهار و دهم شهریور ۱۸۵۹ که یازده و شصت
پناه و نه ناقصه مسیحی سکام طلوع نیز اعظم منبذ علقه بالغا
نواب اشرف و الا نایب الدیال فرهاد میرزا و جناب ستاد
اجل غایت الدین حمید ثانی ملا علی محمد صفیانی و جناب میرزا محمد

کاش نه از مضرب خيام ظفر فرجام که در کنار شهر بود سمت غرب
مراغه می نمود و اهل این بلد این تر را رصد داغی خوانند و
نیکو شناسند و ما خود نیز علم بر این داشتیم که رصدگاه در غرب مراغه
واقع شده چنانکه مؤید الدین عرضی در رساله در الآلات و ادوات
رصدگاه مراغه نوشته فرماید قلند کر الله ان الآلات التي عملنا
بأرصد المحروس بمدينة مراغه على آلات التزي بالاسباب الغربا
منها بالقرب من المدينة و زبني عجب از صاحب و صاف و لطیف
تاریخ حبیب که نوشته اند رصد در شمال شهر مراغه واقع شده
على احوال چون برز برتبر که ایمان بود وسیع و مطمح اگر چه محجب
خلعت آن تر در نهایت خوب در مکان خوب واقع شده
بجهت امر رصد هم آن تر را قطع کرده اند و هم بعضی لمهای دیگر که
مانع رویت از طرف مغرب بود قطع شده و طول آن تر از شمال بخوبی

چهار صد ذرع بود و عرض تریحی که منتهای عرض را دارد یکصد و شصت
 ذرع و ابعثی در تمام بلدان ایران ساریا که منتهای برای رصده است هزار
 و شصت و نه بود که ابعثی تحقیق از طرف شرق و غرب بطوری معلوم باشد
 که پس چیزهای شبیه طلوع و غروب ثواب و سیار در نهایت خوب
 مرأی شود و طرف جنوب این نیز جای ندارد و در شمال لذلک جایست
 و مانع اعمال رصده میخواند بود و از عمارت رصده که بر آن تکیه شده
 چنانکه مؤید الدین در همان سال میفرماید مراجع خواجده بستان
 آن عمارت مورد داشت اگر چه غرض من نبود اما بکرات متعجب
 و لذت تمام بعضی آلات و ادوات بازمانده چیزی بآبست و ببرد و جو
 بکجه میسند شده و در عهد سلطان شهبه الخ یک بن شایخ
 که در حروک سمرقند بنا رصده نهاد هنوز مبرهنه سی در رصده کاغذ باقی بود
 چنانکه در کاغذی که استاد المهندسین عیاض الدین جمشید کاغان

که جزو اعظم در سیر صد سمرقند بود برای پدر خود در مغارت تخریقه
میکوید در حلقه الخ نیک فرموده بودند از ریج ریخته شش کز فطرده
جست صد سیر در صد آفتاب بر پنج بطیکوس غافلند که بعد از
بطیکوس هر صد کردند انواع دقتها استیجاب کردند و از آن حلقه
که بطیکوس عمل کرده بودند عدول نمودند چه آن از خلعت خاست
و یکس معلوم نیست که میزنند سی که در میان عمارت صد سمر
چیت و از بهر چیت این بند صورت حال بعرض می آید
و نقادند که سبب حلقه تواند بود بعرض رسیده و نیز آنکه در این
عصده الدوله حلقه ساخته بودند که کز فطرده است و از آن اسفند فخری
و عوض آن در صد مراغه میزنند سی ساخته بودند نصف فطرده
کردند این در حلقه را فرمودند که کشتند و بابت دیگر بند کفند
این بود کلام غایت الهی همیشه درین زمان از مغر و آت و عمارت

چیزی بمانده مگر دیوله نایکه یکی خط نصف است و موازی او خط
مشرق و مغرب فرض کرده علامت می در نهایت تقامت یافته
بود و در دورتر آثار میان دیوار محسوس بود چیزی که مایه اشتباه
آن بود که خط نصف را با قطب با قریب با نزده درجه تفاوت
داشت و اگر شش هفت درجه دور از کجه انحراف مقابله فرض کنیم
ممکن است که در باقی او چیزی که مکشوف باشد و الا آن وجه دور انحراف
توان کج میستیم اگر چه این از باقی استغیر نصف النهار در از منتهی
که در این مرحله و حیثیت چنانکه از نقش واضح می شود که از خطوط موازی
خط نصف النهار بنود و پانزده درجه منحرف از آن خط بود بطرف مشرق
آن خط سمت قبله است و سایر آثار دلالت بر آنجه لایحه رصد
از بنای امیه و دیوار محتمل که بطلمیوس در البینه خولده است و در این رصد
ربع نام بخساده و لابد از دیوار و بنابر بند سرت داشت



از غریبه دایمی شایسته است که معروف بر دایمی شایسته
و در غریبه تپه دهنه رزک است که دهن دهنه و در آن
دهنه راهها و سوراخهاست و در آن دهنه در صفت بزرگ است
و در هر صفت علامت قبری است که طلع قبر از مشرق بمغرب
وزیر قبر سردا است که میت را ایستاده داشته اند آقا میرمندی
پسر میر سلام الله نوازه میر قاجار را غنه که پسر مرد است و در
بهشت ارسال دارد از قول علم صاحب کتب میگفت که او میگفت قبر
سمعون حوله ای است در اینجا نه فون است الله بعلم
و در روز دیگر نواب نایب الا یاله بافتاق استلکام کبته
محققین بعضی دقایق که روز قیامت فراموش شده است
رفتند و در سبب که نمودند صورت این است و نموده
شده است

و بعد از دیدن آن دو خیمه مراتب بعرض همی رسانیده علیحضرت شایسته
 روز دیگر تجمعت بر بالای تپه بوقت سباحت فرمودند هنگام
 غروب آفتاب بود سماع شمس محاذی خط مشرق و مغرب واقع
 ذابله از فهارست خواجه علیه الرحمه بخند کرده در حمت فرستاده پس
 از محلا حجت حکم با آنها کرد که شرح تدریج را در صفحی نوشته
 بعرض رسیده افتلا لامر الله علی شمس من نور بحر
 بعلا و بقضیر اصدین قدیم را مختصراً در صد بحر طوسی را مفصلاً
 شایسته مقرب خاطر هما چون کرد و اول سبکه رصده مشهور را از
 حکیم است بعضی گویند که او ادریس بن غیر است نقیض در صدر
 هشکانه از آثار طبع شریف اوست و بعضی نوشته اند اول صد
 که بنه شد رصده طموخاریه سر در اسکندریه منظر و فطرس خان
 در محط نرگور است در انقلاب بفر در برینه اسکنان شایسته که

که دارالملک بونانست در سال سصد و شانزده تاریخ بختصری
 رصد بسته و بعد از آن اجزای اسکندریه رصد بسته تاریخ بختصری
 در پانصد و ششاد و شش بود پس از آن بر دیت و چهار و چهار
 مالانوس حکیم نیک جدید جامع را اختیار کرده و بطلمیوس و ششاد
 بختصر در اسکندریه در زمان سلطنتش پور رصد بسته محکم را تصنیف
 کرده پس از آن بحیر بن ابی منصور در ۱۵۷۷ کهنه را و پانصد و هشتاد
 بختصری در شامیه رصد بسته و پانصد و ششاد و سال از رصد
 بطلمیوس منقذ شد که کلمه مأمون خلیفه عباسی محمد بن حایر خوانی
 و خالده مردومی و عبی اسطرلاب و سنه بن علی و بحیر بن ابی منصور
 و عبس بن سعید جوهری دمشق را اثنا بیکه رصد نموده
 رصد بسته و بعد از نیک مأمون رصد و چهار و چهار نیک
 مصر در نیک ابن اعلم سید ادریس و محمد بن علی در کهنه را و پانصد و
 ۱۵۹۹ نود و نه

بختصری در نیش بورر صد بسته و در ^{۷۷} شش یک هزار و شصده و هفت بختصری
 محمد و احمد بن موسی بن شاکر معروف به بنی مسور در سمرخ زای رصده
 و در ^{۱۳۶} شش یک هزار و شصده و سی و شش بختصری سیدان بن عیسیه سمرقانی
 در بلخ رصده بسته و در ^{۱۷۱۶} شش یک هزار و هفتصد و هجده بختصری ابو
 عبد الرحمن صوفی بکبیت غصنه الدوله و طبر رصده بسته و در شر از صور کو
 مضبوط شش و بعد از چهار سال ابو الوفاء بورجانی در بغداد رصده
 و بعد از بیست سال ابو محمود خجندر برای فخر الدوله و طبر رصده بسته و
 از بیت و چهار سال ابوریکان بن احمد پروانه خوارزمی در غر بکبیت
 سلطان معود غزنوی رصده بسته و قانون معودیرا بکبیت آن سلطان
 نوشته و بعد از رصده ابوریکان بصد و ^۳ سال حکیم حماد الدین و حکیم
 اودالدین النوری ابیوردی شاعر معروف و زاهد عبد الرحمن خانی
 بیک شاهی را بسته و بعد از بیست و هشت سال حکیم فریدالدین ابوالحسن

علاء بن عبد الکرم با کوفی نیک علانی را بسته چون مسکوقا آن بن تو
خان بن چنگیز خان در ۶۸۰ شمس و چهار و شصت هجری
قرقرم بعد از فوت کبیر که خان بر بند سلطنت جلوس کرد
بای در غلبه متن رصده بدیث از اینکه مسکوقا آن میان سلاطین
مغول در نشر علوم ریاضی و هند و بناییت مسیاد داشت و بخت
سرا بکام امر رصده حملب الدین محمد بن طاهر بن محمد الزبیری البزاری
برادر سلطنت خان بالغ احضار کعبه و ما فی الصنیر را بادی تفر کرد
آن فاضل و نخبه چوین از عهد این مهم خطیر بر بنی اند اقرار بعجز و
اعتزاف بعزم کفایت خود گرد متناهی مسکوقا آن فضا بنافه
لین عهده را در دل داشت تا آنکه تسخیر ابرار را بعد هلاکو خان
برادر خود و آنکه داشت او را بر لیغ داد که بعد از فتح ایران وقوع
مستلح ملاحظه سلطان مسکوکا حواجه بصیرت الهی محمد طوس را

که بطیکه سرد بهر است و اقبه س عصر و دیر کا بی است در دست
ملاحظه مغلول پیش بهار الملک خان بالغ فرستاده به تری
دی امر صدر امضای داده. هلاکو خان بعد از فتح میمون در
حالت ملل ملاحظه بود خواجه را تنص رحته و لذت کامل شغف
و انبساط بملقات شریف وی درین دشت که مثل
برین مسکو فاکس را نموده دیر از دانه قراقرم کند و ذکر رسد با اینجا
در میان ساد و جناب خواجه تعهد فرمودند که بعد از فتح و استغفار
و سایش ایلمان امر صدر اسرا بکام داده و بعد از فتح و استغفار
بعد از جمع از فضلالی عصر را قلمداد نموده و تهیه اسباب رسد را از
ایلمان خوانسته و هلاکو خان فرما داد تا مؤید الدین بن برکات
مبارک العرضی که مشفق که عرض فریه البیت به مشق و در مشق برای
ملک المدینه صاحب جمعی در حضور وزیر نجم الدین اللودی مشغول

کتاب ساختن التصدی بود و فخر الدین مراغی که بمصر بود
و محیی الدین اخلاطی که بغلبیس بود و ابو الحسن عیاض بن عمر القزوی بنی معروف
بخم الدین و پیران که در قزوین بود و متن ششمی منطق و تصنیفات
او است و در وزارت خواجسته محمد بن محمد تصنیف کرده و قطب الدین
علامه شیرازی مصنف دتة النجاة از علامه استنجاب بود و در
حدیث ایشان بعد از حضور فضلاء و اتمام اسباب رصد راجع
مؤید الدین مفضل بن یوسف محرابی آهنا اختصار میکند
اقتباسی است که او را بطلمیوس سر لینه و در آن رصد ربع خولده
محتاج است بر بولد محمد از جنوب شمال تا زالت ذات السمک
و آن پنج حلقه است در میان یکدیگر و اینستغی و این را
از ذات السمک سه بطلمیوس و ذات السمک نفعه تا و این
و التیم التیم التیم بطلمیوس وضع کرد برای دانستن میدان آسمان

از آن قدر که بطریق سر نامیده است التی که خبر میدهد از
 مشرک یا از هر نقطه بعد از آن و آن پنجم ذات الهدیه است
 که در ذات الثقیین نیز گویند و آن ششم ذات الرعین
 که بجای ذات اعلیٰ نصب کرده و از دایره یازده و آن هفتم
 ذات المظنونین آن ششم ذات الحجب و التمت است
 ذات الحجب و التمت و آن دهم الت کامله و ملک عشره کافه
 و بعد از حضور آنست و تمام اسباب رصد در ۵۷ شصت
 پنجاه و هفت بحری در بلده مراغه و عشره عشر از خط استوا
 سی و هفت درجه و سبب دقیقه و طولش از جزایر خلد است
 هشتاد و دو درجه زائده انحراف که از خط نصف النهار شش
 درجه بنای رصد را نهاده و آن ۵۳ شصت و هشت و نیم ناقصه در
 کاغذ صنط حرکات و سیر و عرض و سایر عمل بوده چنان

چون در پرع الاخر آن سال هلاکوخان از بلاق مرزعه بقتل
چفتورفته در بین راه بکته در گذشت امر صد بهمان قدر باقی ماند
و قضایا بن رصدا محرز طوس در اقصای مفضلان کرده
و در تاریخ فوت هلاکوخان گفته چون هلاکوزمراغه برستان گشته
کرد نقدیر ازل نوبت عمرش آخر سال بر شصت و شصت و شصت
که شب نوزدهم بد زریع الحسنه و بعد از آن رصه بانه که روزگار
شیخ محیی الدین مغرب زریع او در اتمام کرد و لذلک اشغال که در اینجا
ایمانه بود حدیث و بعد از رصه ایمانه در ^{۸۳} هجری هشتصد
چهار و یک هجری بکم سلطان شهید الغ بیگ بن شاهرخ بن
کورکان بسبب بغاوت و علم آن خاقان مقتدر غیاث الدین
جمشید کاشغر و صلاح الدین موسی المشرقی بقاضی زاده رود مر و عیان
مهر و شمر در محروسه سمرقند بکسلطانی بتمام رسیده و بعد از آن

و بعد از آن بانکه روزگاری سیه بن برج از جنبدی و عبد الصمد
 میرجندی کتیب آن رصد کرده هر یک شرحی بزنج سلطان نوشته
 و پس از آن رصدی بسته نشد مگر در زمان شاه سلیمان صفوی
 شرح برکت زکریا نوشته و این علم را کتیب کرد پس از آن در عهد
 سلطنت محمد شاه هندی سلالة محمد دمان بابریه در دها شاه
 جهان لکارت راجه جی سنگت و میرزا خیر الله و شیخ عابد
 هند در سال ۱۰۳۱ به هزاره و یکصد و سی و یک بزنج جدید هندی
 با تمام سینه و همچنان ابن علم متروک مانده و ملوک بعد در رصد
 کتیب نصایف ابن رصد بر نیامده تا اینکه در زمان ابن شهاب
 جهان پناه جرجیست وی جاوید باد استیلا در جردال آن
 بزنج شده و تحقیقات در مراتب وی گشته که اگر چندین رصد در
 کثیره بسته شدی آنگاه فایده مذادی علاوه بر تحقیق حساب ستاره

چنانکه من خود چندین جدول را تهیه کرده امید آنکه عما قریب صدی
مخصوص بسته شود و نیزج ناصری ناسخ زنگنه است کرده و در نیزج کسینی
مستقیم فرانس جدول در ذکر راصدین بود آنچه راصدین ایران بود
و نوشته بودیم پرده کردن کرده باقی را بهشت نموده و آنچه در کتب از
اسمی لهصاد دیده و تاریخ وی معلوم نیست نیزج ناوین اسکندر لک
نیزج کوشیار نیزج صفیج و نیزج دین بن رستم کتبی با بهر قوه
مت ارساله

جدہ این لٹ

راصدین کہ درینج کسینی ذکر کردہ

مقبل المیلاد	
۲۳۰	راوتنہ نیر
بعد المیلاد	
۳۹۰	بابوس
۸۸۰	الباقینوس عرب
۱۰۷۰	لذات
۱۳۰۰	برودقا جیوس
۱۴۶۰	رکبو موتا نوس
۱۵۰۰	والترپوس
۱۵۰۰	کیرنیک پردی
۱۵۷۰	داسنہ
۱۵۷۰	ستہو
۱۶۰۰	قاسندی
۱۶۵۰	قاسنین
۱۶۷۲	رہہ
۱۷۳۸	کسینی

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰